

# کاربست معیارهای ترجیحات محیطی در ارزیابی کیفی فضای شهری، با تأکید بر مفهوم حس مکان

شمین گلرخ<sup>۱</sup>

استادیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

۱۷ دی ۱۳۹۷  
۲۷ فروردین ۱۳۹۸  
(صفحه ۹۴-۷۷)

کلیدواژگان: فضای شهری، ترجیحات محیطی، حس مکان، تحلیل کیفی محتوا.

## چکیده

در ذیل مفهوم ترجیحات محیطی متأثر از رویکرد «شناختی» در روان‌شناسی محیطی، چارچوب‌ها و معیارهایی عام برای تحلیل میزان مرجح بودن فضا در قضاوت افراد پیشنهاد شده است. در این معیارها بر کیفیت‌های محیط مطلوب تأکید می‌شود؛ اما در رویکرد «پدیدارشناختی» در روان‌شناسی محیطی بیشترین اهمیت را به تجربه واقعی و زیسته فرد و احساس‌ها و تفاسیر و انتظارات وی از یک مکان خاص می‌دهند. در این پژوهش با تکیه بر معیارهای سنجش ترجیحات محیطی از یک سو، و مفهوم حس مکان از سوی دیگر، کاربرد معیارها و مفاهیم مزبور در ارزیابی کیفی یک فضای شهری به آزمون گذارده می‌شود. برای این منظور، ارزیابی مطلوبیت خیابان قدس برای دانشجویان دانشگاه تهران مبنای این آزمون قرار گرفته است. مطالعات میدانی این پژوهش در دو مرحله اصلی بررسی و با هم مقایسه شده است: نخست بر اساس معیارهای ترجیحات محیطی، خیابان قدس توسط متخصصان آموزش‌دیده، شامل ۲۰ دانشجوی طراحی شهری، ارزیابی شد. در مرحله دوم، از طریق

مصاحبه به روش «با هم پیمودن»، حس مکان ۲۵ دانشجوی دانشگاه تهران مطالعه شد. تحلیل مصاحبه‌ها به روش تحلیل کیفی محتوا انجام شده است. مقایسه یافته‌های این دو مرحله نشان می‌دهد که به کمک مفهوم حس مکان می‌توان چارچوب ارزیابی متخصص از میزان مرجح بودن یک فضای شهری را تدقیق کرد.

## مقدمه

طراحان شهری در سنجش و ارزیابی ادراک مردم از یک مکان مشخص چه ابزارهایی در اختیار دارند؟ اغلب مفاهیم ادراکی و روش‌های سنجش مرتبط با آن‌ها از رشته‌های دیگر به‌ویژه روان‌شناسی محیطی گرفته شده است. این مفاهیم، مانند تصویر ذهنی، حس مکان، و...، توصیفگر پدیده‌هایی ذهنی هستند که یافتن مابه‌ازا یا محمل‌های عینی آن‌ها برای طراحان مهم است و در تحلیل رابطه محیط ذهنی و عینی نقش طراح شهری، به مثابه یک پژوهشگر، اهمیت می‌یابد. در مطالعه روان‌شناختی رابطه انسان-محیط، رویکردها و

1. sh.golrokh@ut.ac.ir



### پرسش‌های تحقیق

۱. طراحان شهری در سنجش و ارزیابی ادراک مردم از یک مکان مشخص چه ابزارهایی در اختیار دارند؟
۲. این ارزیابی‌ها با چه معیارهایی انجام می‌شود؟

نظریه‌هایی تاکنون مطرح شده‌اند که، از نظر پیش‌فرضی که از ماهیت ادراک انسان از محیط دارند، متفاوت هستند. دیوید اوزل<sup>۲</sup> این تفاوت‌ها را ناشی از پارادایم و چارچوب‌های ارزشی نظریه‌ها می‌داند. وی در این باره به ۴ پارادایم اصلی اشاره کرده است که با دسته‌بندی پیشنهادی اروین زوبه و همکارانش<sup>۳</sup> منطبق است؛ پارادایم‌های کارشناس- مبناء، روان- فیزیکی<sup>۴</sup>، شناختی<sup>۵</sup> و پدیدارشناختی<sup>۶</sup>. بر اساس دسته‌بندی این دو نظریه‌پرداز، در پارادایم‌های کارشناس- مبناء و روان- فیزیکی کیفیت‌های محیط بر اساس مقوله‌هایی کاملاً عینی تعیین می‌شوند؛ یعنی محیط موجودیتی مستقل از ناظر در نظر گرفته می‌شود که در خود کیفیت‌هایی دارد که ناظر در مواجهه با آن‌ها دریافت‌شان می‌کند. در پارادایم کارشناس- مبناء این متخصصان آموزش‌دیده هستند که زیبایی صحنه‌های محیط را تحلیل و کیفیت‌ها را به فرمول‌بندی‌هایی ترجمه می‌کنند که در طراحی به کار آید<sup>۷</sup>. پارادایم روان- فیزیکی بر مدل محرک- پاسخ متکی است که محیط را منبعی از محرک‌ها می‌داند که فرد بدان‌ها پاسخ می‌دهد و با پارامترهایی می‌توان این رابطه را اندازه گرفت.

از سوی دیگر، در پارادایم شناختی، پاسخ افراد به کیفیت‌های محیط را تعیین‌شده از سوی محیط نمی‌دانند؛ بلکه این پاسخ‌ها نتیجه فرایندهای ذهنی در فرد قلمداد می‌شوند. مفهوم ترجیحات محیطی<sup>۸</sup> و مدلی که کاپلان‌ها<sup>۹</sup>، بر اساس نظریه فرایند پردازش اطلاعات محیطی<sup>۱۱</sup> در ذهن انسان، پیشنهاد داده‌اند، در این دسته قرار می‌گیرد. بر اساس رویکرد شناختی، سازوکار ذهن انسان متکی بر مقایسه، دسته‌بندی، و مقوله‌سازی است و فرد بر اساس این مقوله‌های ذهنی، اطلاعات محیط از جمله کیفیت‌های آن را بازشناسی می‌کند و نسبت بدان‌ها پاسخ می‌دهد. در رویکرد شناختی شناخت این فرایند و نحوه شکل‌گیری مقوله‌های ذهنی و جنبه‌های مختلف تأثیرگذار بر آن پیگیری می‌شود؛ اما در رویکرد پدیدارشناختی بیشترین اهمیت به تجربه واقعی و زیسته فرد و احساس‌ها و تفاسیر و انتظارات وی داده می‌شود. در این رویکرد مکان و انسان کلیتی یکپارچه هستند که جنبه‌هایی مستقل از هم، مانند زیباشناختی، احساسی، شناختی، و... ندارند. یک مکان در ذهن هر فردی معنایی می‌یابد و موجودیت آن وابسته به تجربه آن فرد است<sup>۱۲</sup>.

مطالعات دو رویکرد شناختی و پدیدارشناختی با مراجعه به مردم صورت می‌گیرد، با این تفاوت که در رویکرد شناختی چارچوب‌های نظری مشخصی

۲. نک:

D. Uzzell, "Environmental Psychological Perspective on Landscape".

۳. نک:

E.H. Zube, et al, "Landscape Perception; Research, Application and Theory".  
 4. expert- based  
 5. psychophysical  
 6. Cognitive  
 7. Phenomenological  
 8. Zube, et al, ibid, p. 6  
 9. environmental preferences

۱۰. نک:

S. Kaplan, "Perception and Landscape: Conceptions and Misconceptions",  
 11. information processing theory  
 12. Ibid, p. 7.

## ۱. مرور ادبیات

در گذشته ارزیابی کیفیت‌های محیطی به طور سنتی توسط متخصص و بر اساس معیارها و استانداردهایی، که آموزش داده می‌شد، صورت می‌گرفت. این رویکرد به نقدهایی انجامید که تفاوت میان ترجیحات متخصصان و گروه‌های اجتماعی مختلف را یادآور می‌شدند.<sup>۱۳</sup> از دهه ۱۹۷۰ مطالعات ادراک محیطی بر اساس ادراک غیر متخصصان اهمیت یافت و روان‌شناسی محیطی بستری شد برای گسترش مطالعه تعامل انسان و محیط.<sup>۱۴</sup> هانیو<sup>۱۵</sup> مطالعات انجام‌شده در زمینه تجربه محیطی انسان را متمرکز بر دو بعد اصلی می‌داند: بعد شناختی / ادراکی<sup>۱۶</sup> و بعد عاطفی / تأثیری<sup>۱۷</sup>. در مطالعات دسته اول بررسی می‌شود که افراد چه چیزهایی از محیط را و چگونه ادراک می‌کنند، به طور مثال می‌توان به مطالعاتی اشاره کرد که در آن‌ها، بر پایه مفاهیمی چون نقش‌انگیزی و خوانایی<sup>۱۸</sup> و نقاط لنگرگاهی<sup>۱۹</sup>، با مطالعه نقشه‌های ذهنی و شناختی، ساختارهای ذهنی ادراک انسان از روابط فضایی توصیف می‌شود. در مطالعات متمرکز بر بعد عاطفی / تأثیری ارزیابی و قضاوت فرد نسبت به یک مکان پیگیری می‌شود. مفاهیمی چون تصویر ارزیابانه<sup>۲۰</sup> و ترجیحات محیطی<sup>۲۱</sup> در این دسته‌اند؛ اما دسته‌بندی سه‌گانه‌ای نیز در ادبیات روان‌شناسی محیطی متداول است که با ارجاع به «نظریه منش»<sup>۲۲</sup> برای رابطه انسان و محیط، علاوه بر ابعاد شناختی و عاطفی، بعد رفتاری نیز قائلند<sup>۲۳</sup>. منظور از این بعد نتایج رفتاری تجربه محیط است. منش انسان پاسخ وی به یک رویداد، شیء، یا محرک بیرونی (از جمله محیط) است. بر اساس «نظریه منش»، این پاسخ از سه مؤلفه تأثر (پاسخ احساسی)، شناخت (باور، دانش، فکرها) و رفتار تشکیل شده است<sup>۲۴</sup>.

در مقایسه با ابعاد شناختی و عاطفی، بعد رفتاری کمتر مطالعه شده است. راندی جنروکس و همکاران<sup>۲۵</sup> دو معیار را در توضیح مؤلفه رفتاری ادراک مکان مطرح کرده‌اند: معیار اول مناسب بودن<sup>۲۶</sup>، به معنای اینکه چقدر یک مکان ملزومات

ملاک تفسیر و ارزیابی محیط هستند، اما پژوهشگر با رویکرد دوم متکی بر پژوهش‌های کیفی است و برای فهم یک پدیده ادراکی مشخص، در پی چستی و چگونگی شکل‌گیری آن است. رویکرد شناختی جایگاه ویژه‌ای در مطالعات روان‌شناسی محیطی دارد، چون شامل پیشنهاد چارچوب‌ها و مدل‌هایی است که می‌توان بر اساس آن‌ها فرضیه‌سازی کرد. از سوی دیگر، رویکرد پدیدارشناختی، چون تعمیم‌پذیر نیست و پدیده مشخصی را توصیف می‌کند، کمتر به مثابه روشی برای سنجش کیفیت‌های محیط به کار رفته است، اما به تجربه واقعی فرد نزدیک‌تر است. از این رو می‌توان پرسید در فرایند طراحی و برای ارزیابی کیفی یک مکان آیا می‌توان از تعامل این دو رویکرد بهره گرفت؟

در این پژوهش با تکیه بر معیارها و مفاهیمی که در سنجش ترجیحات محیطی در رویکرد شناختی مطرح شده است از یک سو، و با کمک مفهوم حس مکان و تفسیر توصیف‌های شرکت‌کنندگان از سوی دیگر، کاربرد معیارها و مفاهیم مزبور در ارزیابی کیفی یک فضای شهری به آزمون گذارده شده است. از این رو بخش مهمی از پژوهش حاضر، مرور ادبیات پیرامون استخراج معیارهای ترجیحات محیطی است، سپس برای آزمون کاربرد این معیارها در تعامل با مفهوم حس مکان، چارچوب مفهومی درباره یک مکان مشخص به آزمون گذاشته شده است. از آنجا که عامل «آشنایی» با مکان تأثیر قابل توجهی بر ارزیابی محیطی افراد می‌گذارد، برای این پژوهش مکانی انتخاب شده است که پژوهشگر و همچنین دانشجویان طراحی شهری، با عنوان متخصص آموزش‌دیده (در مرحله اول ارزیابی همکاری داشته‌اند)، با مکان آشنا هستند و این متغیر قابل کنترل است. برای این منظور خیابان قدس و ارزیابی کیفی آن برای دانشجویان دانشگاه تهران مبنای ارزیابی کاربرد چارچوب ترجیحات محیطی قرار گرفته است.

13. K. Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark", p. 301. نک: ۱۳
- M. Paz Galindo & J.A. Corraliza Rodríguez, "Environmental Aesthetics and Psychological Wellbeing". نک: ۱۵
- Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark".
16. cognitive\ perception
17. emotional\ affection
18. Imageability\ Legibility (K. Lynch, *The Image of the City*; D. Appleyard, *Planning a Pluralist City: Conflicting Realities in Ciudad Guayana*).
19. Anchor Points (R.G. Golledge, "Learning about Urban Environments"; idem, "An Anchor Point Theory of the Acquisition of Spatial Knowledge and some Empirical Observations"; idem, "Environmental Cognition").
20. evaluative image (J.L. Nasar, *The Evaluative Image of the City*).
21. Environmental Preference (R. Kaplan & S. Kaplan, *The Experience of Nature: A Psychological Perspective*; R. Kaplan, et al, ←

→ "Environmental Preference: a Comparison of four Domains of Predictors"; S. Kaplan, "An Informal Model for the Prediction of Preference". 22. attitude theory

نک: ۲۳

Kung-Jen Tu & Lin Li-Ting, "Evaluative Structure of Perceived Residential Environment Quality in High-density and Mixed-use Urban Settings"; M. Bonaiuto, et al, Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in Urban Environments"; R.L. Genereux, et al, "The Behavioral Component in the Meaning of Places". 24. B.S. Jorgensen & R.C. Stedman, "Sense of Place as an Attitude: Lakeshore owners Attitude toward Their Properties", p. 237.

نک: ۲۵

Genereux, et al, ibid. 26. suitability 27. expected behaviors

نک: ۲۸

C.E. Osgood, et al, *Measure of Meaning*.

نک: ۲۹

Russell, James A., A Circumplex Model of Affect; Idem, "Core Affect and the Psychological Construction of Emotion";

←

کالبدی و حسی لازم برای یک رفتار را دارد؛ معیار دیگر بیشتر به زمینه اجتماعی مکان مرتبط است و معطوف به این است که رفتارهای مورد انتظار از دیگران<sup>۲۷</sup> در یک مکان کدام هستند و چگونه‌اند.

در مطالعه بعد عاطفی/ تأثری، برخی مطالعات مفاهیم مشخصی را سنجیده‌اند، از مهم‌ترین آن‌ها مفهوم ترجیحات محیطی است. برخی دیگر کوشیده‌اند ابعاد مختلف قضاوت‌های تأثری انسان را بیابند<sup>۲۸</sup>، از مهم‌ترین این مطالعات مربوط به راشل<sup>۲۹</sup> است که دو مؤلفه خوشایندی<sup>۳۰</sup> و برانگیختگی<sup>۳۱</sup> را در توضیح بعد عاطفی/ تأثری ادراک انسان مطرح کرده است. مؤلفه خوشایندی معرف محتوا یا ظرفیت تأثری<sup>۳۲</sup> مکان و مؤلفه برانگیختگی معرف درجه یا شدت تأثر<sup>۳۳</sup> در تجربه محیط است<sup>۳۴</sup>. راشل مدلی پیشنهاد داده است که بر اساس آن قضاوت تأثری فرد از یک مکان را در جایی از طیف خوشایندی (خوشایندی- ناخوشایندی) و برانگیختگی (فعال‌سازی- غیر فعال‌سازی)<sup>۳۵</sup> می‌توان قرار داد. راشل دریافت عاطفی/ تأثری را پاسخی خودکار به یک وضعیت ذهنی اولیه در انسان می‌داند. به این معنی که به‌رغم تفاوت‌های احساسی میان افراد، تأثرهای اولیه‌ای به مثابه هسته‌های تأثری یا مقوله‌های عاطفی پایه‌ای در ذهن انسان وجود دارد- مانند ترس، هیجان، و... - که قابل تعمیم و همه‌شمول هستند. این مقوله‌ها ترکیبی از دو مؤلفه خوشایندی و برانگیختگی هستند که راشل آن‌ها را تأثر هسته‌ای<sup>۳۶</sup> نامیده است<sup>۳۷</sup>.

منشأ اغلب این مطالعات در رویکرد تکاملی<sup>۳۸</sup> نسبت به ادراک تأثری انسان است. وجه اشتراک آن‌ها در توضیح ارزیابی زیباشناختی انسان این است که برای بشر، به مثابه یک موجود زنده، نیازها و استانداردهایی قائل هستند؛ انسان منظره‌ها و محیط‌هایی را زیبا می‌داند که عناصری در آن‌ها باشد (چه عناصر ساختاری و چه محتوایی) که سودمندی‌هایی برای بقای بیولوژیک او داشته باشند<sup>۳۹</sup>. شروع این رویکرد را مطالعات برلین

و کتاب زیبایی‌شناسی و روان‌شناسی<sup>۴۰</sup> او می‌دانند. بر اساس این رویکرد انسان با ارتباط با محیطش و در پاسخ به نیازهای خود تکامل می‌یابد. به طور مثال نیاز انسان به خوانایی به این خاطر است که او احتیاج دارد برای بقایش محیطش را بفهمد و پیش‌بینی کند<sup>۴۱</sup>. در رویکرد مقابل آن، ترجیحات محیطی انسان را محصول فرایندهای اجتماعی شدن<sup>۴۲</sup> و امری اکتسابی می‌دانند. تفاوت این دو رویکرد در تفاوت تعریف آن‌ها از «نیاز» است؛ رویکرد اول متأثر از نظریه انگیزه<sup>۴۳</sup> نیاز را ناشی از بروز عدم تعادل فیزیولوژیک می‌داند که منجر به انگیزه‌های روانی می‌شود، اما در رویکرد دوم ادراک انسان از نیازهایش و اهدافی که رفتارهایش را هدایت می‌کنند اغلب محصول وضعیت‌های اجتماعی‌ای است که تجربه می‌کند و در طول زندگی‌اش انباشت می‌شوند<sup>۴۴</sup>.

یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های مفهومی که پایه بیشتر مطالعات تجربی در حوزه ترجیحات محیطی هستند، مدل کاپلان‌ها است<sup>۴۵</sup> که از رویکرد تکاملی برخوردار است. این مدل بر اساس نیازهای شناختی پایه‌ای انسان، ماهیت پردازش اطلاعات در ذهن را مبنا قرار می‌دهد. در نظریه کاپلان‌ها به‌رغم تفاوت‌های فردی میان انسان‌ها، افراد دو هدف اصلی مشابه در واکنش به محیط دارند: فهمیدن محیط (بفهمد پیرامونش چه می‌گذرد<sup>۴۶</sup>) و درگیر شدن (یاد گرفتن، کشف دلایل، و تحریک شدن<sup>۴۷</sup>)، و افراد محیطی را ترجیح می‌دهند که به این اهداف پاسخ دهد<sup>۴۸</sup>. در مدل کاپلان‌ها، ماتریسی پیشنهاد شده است که دو نیاز مزبور را در دو سطح پردازش دوبعدی و سه‌بعدی محیط توصیف می‌کند. برای فهمیدن محیط فرد نیاز دارد تا به راحتی آن را به مثابه یک کلیت شناسایی و ویژگی‌های متمایز آن را در ذهنش خلاصه و ساختار محیط را درک کند و بتواند به راحتی نقشه‌ای ذهنی از آن بسازد. دو کیفیت انسجام<sup>۴۹</sup> و خوانایی<sup>۵۰</sup> معرف این نیاز هستند. برای درگیر شدن نیز محیط باید به اندازه‌ای غنی از عناصر و روابط باشد که میل به



idem, "Emotion, Core Affect, and Psychological Construction"; J.A. Russell & M. Lewicka, "A Cross-Cultural Study of a Circumplex Model of Affect".  
 30. pleasure  
 31. arousal  
 32. valence of affection  
 33. intensity of affection  
 34. Heng Zhang & Shih-Hsien Lin, "Affective Appraisal of Residents and Visual Elements in the Neighborhood", p. 12.  
 35. activation inactivation  
 36. core affect

۳۷. نک:

Russell, "A Circumplex Model of Affect"; idem, "Emotion, Core Affect, and Psychological Construction".  
 38. evolutionist approach  
 39. Galindo & Rodríguez, *ibid*, p. 15.

۴۰. نک:

D.E. Berlyne, *Aesthetic and Psychology*.  
 41. G.T. Kyle, et al, "Linking Place Preferences with Place Meaning: An Examination of the Relationship between Place Motivation and Place Attachment", p. 440.  
 42. socialization process  
 43. theory of motivation  
 44. *Ibid*.

چنان که پیش تر گفته شد، مبنای این مطالعات مقوله‌بندی<sup>۵۸</sup> است؛ آن را با روش شناسایی مقوله‌ها (CIM)<sup>۵۹</sup> می‌شناسند.<sup>۶۰</sup> پیش فرض این روش آن است که افراد نه با احساسات خالص و بی‌واسطه بلکه به مقوله‌هایی ادراکی- احساسی واکنش نشان می‌دهند که تا اندازه‌ای عام هستند<sup>۶۱</sup>. از جمله نقدهای ایراد شده به مدل CIM همین تأکیدش بر وجود مقوله‌های ادراکی عام است<sup>۶۲</sup> و اینکه تأثیر تفاوت‌های فردی و مکانی، که نقش مهمی در ترجیحات محیطی دارند را در بر نمی‌گیرد. به طور مثال در برخی مطالعات بر اهمیت عامل میزان آشنایی<sup>۶۳</sup> افراد با مکان و تأثیر آن بر ترجیحات محیطی تأکید می‌شود<sup>۶۴</sup>. میان پاسخ کسانی که ساکنان یک مکان هستند و مراجعان به آنجا تفاوت است. ضمن اینکه در مطالعات ترجیحات محیطی، محرک‌ها (به طور مثال تصاویر) اغلب از سوی کارشناس انتخاب می‌شوند که گاهی برای شرکت‌کنندگان پژوهش ناآشنا هستند، یا در انتخاب تصاویری از مکان که به شرکت‌کنندگان نشان داده می‌شود، خاطره‌ها و تجربه‌های ایشان نادیده گرفته می‌شود.

در برخی مطالعات پیشنهاد شده است که نقشه‌های شناختی مبنایی برای شروع مصاحبه و استخراج واکنش‌های احساسی افراد و بیان دلایل آن باشند. به بیان دیگر، روش نقشه‌های شناختی با مصاحبه همراه شود. به طور مثال وود<sup>۶۵</sup> در تلاش برای افزودن بعد احساسی به نقشه‌برداری‌های ذهنی، روش Environmental A را معرفی کرده است. در این روش واژگان نقشه‌ها از تعداد زیادی نمادهایی تشکیل می‌شود که معرف ارزیابی‌های احساسی هستند (مانند نماد دو استخوان متقاطع برای احساس خطر). پنی ترالوو<sup>۶۶</sup> استفاده از روش نقشه‌خوانی<sup>۶۷</sup> را به جای ترسیم نقشه‌های شناختی پیشنهاد می‌کند. به این صورت که نقشه‌های عرف مکان را مبنای مصاحبه با افراد درباره مکان‌هایی که دوست دارند یا دوست ندارند، قرار می‌دهد. در این‌گونه مطالعات اشاره به اهمیت تجربه زیسته فرد از یک مکان مشخص است.

اکتشاف و تفکر را در فرد برانگیزد. دو کیفیت پیچیدگی<sup>۵۱</sup> و رازآمیزی<sup>۵۲</sup> این نیاز را پاسخ می‌دهند<sup>۵۳</sup>. در مطالعات مختلف انجام شده در زمینه ترجیحات محیطی، معیارها و مفاهیم دیگری افزون بر مدل کاپلان‌ها پیشنهاد شده است که مطابق «جدول ۱» در این پژوهش در سه بعد فضایی/ کالبدی، اجتماعی، و عملکردی/ رفتاری دسته‌بندی شده‌اند، همچنین معیارهای بعد فضایی/ کالبدی در این پژوهش در دو دسته «پاسخ به فرایند پردازش اطلاعات» و «ادراکی- زیباشناختی» تقسیم شده‌اند.

### ۱.۱. روش‌های مطالعه و ثبت ارزیابی محیطی

روش انجام این‌گونه مطالعات اغلب به صورت پرسش از گروه‌های هدف و گردآوری داده‌های کلامی و تصویری است. گالیندو<sup>۵۴</sup> سه مقیاس مختلف را بر اساس نوع مقوله‌بندی داده‌ها معرفی کرده است: توصیفی، تأثیری، و سنجش. در مقیاس توصیفی تمرکز بر ادراک افراد از ترکیب‌بندی فضایی و عناصر فیزیکی محیط است. روش نقشه شناختی از متداول‌ترین روش‌ها در این مقیاس است. از جمله نقدهای به این روش این است که فقط عناصر و روابط ثبت می‌شوند و ارزیابی‌های افراد نسبت به محیط را انعکاس نمی‌دهد. مطالعات جک نسر<sup>۵۵</sup> و مفهوم مهرانگیزی<sup>۵۶</sup> در پاسخ به این نقد شکل گرفته است. نقشه‌هایی که وی از مصاحبه با افراد تولید کرد معرف میزان تأثیر عاطفی فرد نسبت به محیط است. این موضوع به دومین مقیاس تعریف شده گالیندو مربوط می‌شود. در این سطح نوع و شدت بازخورد احساسی افراد در مواجهه با محیط ثبت می‌شود. اغلب در این نوع مطالعات تصاویری از صحنه‌های انتخاب شده محیط به شرکت‌کنندگان نشان داده و ارزیابی‌های آن‌ها در قالب واژگان و مفاهیم ثبت می‌شود. مطالعات راشل نیز از این دسته‌اند. در سطح سوم که رایج‌ترین است، به کمک معیارهایی عام و پرسش‌نامه‌هایی مشخص در قالب مفهوم ترجیحات محیطی، قضاوت افراد نسبت به ویژگی‌های محیط سنجیده می‌شود<sup>۵۷</sup>.

## ۲.۱. حس مکان

مکان؛ یعنی تصور فرد از نسبتی که میان خود و آن مکان قائل است<sup>۴۲</sup>. مفاهیمی مانند هویت مکانی، دلبستگی مکانی، و وابستگی مکانی این جنبه را می‌رسانند.

در تعاریف نظری مرز مشخصی میان این سه مفهوم قابل تشخیص نیست و بسیار هم‌پوشانی دارند. یکی از مناقشات مطرح در بیشتر متونی که در آن‌ها به این مفاهیم پرداخته شده است نیز درباره‌ی واضح نبودن مرز آن‌ها است، به‌ویژه درباره‌ی دو مفهوم دلبستگی مکانی و هویت مکانی<sup>۴۳</sup>؛ اما در تعریف کلی این مفاهیم می‌توان اتفاق نظرهایی یافت. هویت مکانی در تعریف پروشانسکی آن بخش از شناخت فرد نسبت به «خود»<sup>۴۴</sup> است که به واسطه‌ی محیط کالبدی شکل می‌گیرد.<sup>۴۵</sup> دلبستگی مکانی معرف رابطه‌ی عاطفی میان فرد و مکان و عمدتاً ناظر بر احساسات و علاقه‌های مثبتی است که فراتر از ترجیحات و ارزش‌ها و قضاوت او درباره‌ی مکان شکل می‌گیرد<sup>۴۶</sup> و مفهوم وابستگی مکانی<sup>۴۷</sup> به ادراک فرد از توانایی رفتاری خود در مکانی مشخص

از نظر دیوید کانتز مکان‌ها برای انسان ترکیبی از سه بُعد شناخت<sup>۴۸</sup>، عاطفه<sup>۴۹</sup>، و عمل<sup>۵۰</sup> هستند.<sup>۵۱</sup> برکول نیز در این باره سه مفهوم تفکر<sup>۵۲</sup>، احساس<sup>۵۳</sup>، و عمل<sup>۵۴</sup> را مطرح کرده است.<sup>۵۵</sup> استدمن سه مفهوم مطرح شده از سوی کانتز را معادل سه مفهوم هویت مکانی<sup>۵۶</sup>، دلبستگی مکانی<sup>۵۷</sup>، و وابستگی مکانی<sup>۵۸</sup>، و مفهوم حس مکان را در بر گیرنده‌ی این سه می‌داند.<sup>۵۹</sup> در تعریف استدمن حس مکان معادل مجموعه معنایی است که فرد یا گروه به مکانی مشخص الصاق می‌کنند.<sup>۶۰</sup> در متون روان‌شناسی محیطی به طور کلی مفهوم حس مکان ناظر بر دو موضوع اصلی است: نخست معنای مکان<sup>۶۱</sup>، یعنی معنایی که فرد به واسطه‌ی آن‌ها مکان را تصور و توصیف می‌کند. معنای مکان عمدتاً در پاسخ فرد به سؤالاتی توصیفی مانند «این مکان چه معنایی برایت دارد؟» یا «این مکان چگونه جایی است؟» جست‌وجو می‌شود. و دوم، نوع احساس و عمق رابطه‌ی فرد با

نک: ۴۵

R. Kaplan & S. Kaplan, ibid;  
R. Kaplan, et al, ibid; S.  
Kaplan, ibid.

46. making sense/  
understanding  
47. involvement/  
exploration

نک: ۴۸

Ibid.  
49. coherence  
50. legibility  
51. Complexity

جدول ۱. چارچوب مفهومی:  
معیارهای ترجیحات محیطی،  
تدوین: نگارنده.

←

تعریف	نظریه‌پردازان	واژگان نظری	معیارها	ابعاد
چقدر جهت‌یابی و مسیریابی و حس موقعیت در محیط پیرامون مکان راحت است؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight"; Korpela & Hartig, "Restorative Qualities of Favorite Places"; Hartig, et al, "A Measure of Restorative Quality in Environment"; Kaplan, "Perception and Landscape"; Herzog, "A Cognitive Analysis of Preference for Urban Spaces".	Legibility/ Extent/ scope	خوانایی	بسیار به فرایند برداشتن اطلاعات محیطی فضایی / کالبدی
چقدر روابط میان عناصر مکان قابل تشخیص است و انسجام دارد؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight"; Kaplan, ibid; Herzog, ibid; Nasar, "Urban Design Aesthetics, The Evaluative Qualities of Building Exteriors"; idem, "New Development in Aesthetics for Urban Design".	Coherence/ Order/ Harmony/ congruence	انسجام	
چقدر عناصر یا روابط مختلف و پیچیده‌ای دارد؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight"; Kaplan, ibid; Nasar, "Urban Design Aesthetics, The Evaluative Qualities of Building Exteriors"; idem, "New Development in Aesthetics for Urban Design"; Herzog, ibid.	Complexity	پیچیدگی	
چقدر محیط امکان اکتشاف و یافتن چیزهای بیشتر را در شما برمی‌انگیزد؟ چقدر محیط چیزهایی را از شما پنهان می‌کند که با کشف و جست‌وجو و تفکر باید به آن‌ها دست یافت؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight"; Hartig, et al. "A Measure of Restorative Quality in Environment"; Korpela & Hartig, "Restorative Qualities of Favorite Places"; Nasar, "Urban Design Aesthetics, The Evaluative Qualities of Building Exteriors"; idem, "New Development in Aesthetics for Urban Design"; Herzog, ibid.	Mystery/ Fascination	رازآمیزی	
چقدر مکان می‌تواند مثال یا نماینده‌ی یک دسته مکان باشد؟ چقدر نماینده‌ی خوبی برای دسته مکان‌های شبیه خود است؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight"; Galindo & Hidalgo, "Aesthetic Preferences and the Attribution of Meaning: Environmental Categorization Processes in the Evaluation of Urban Scenes"; Nasar, "Urban Design Aesthetics, The Evaluative Qualities of Building Exteriors"; idem, "New Development in Aesthetics for Urban Design"; Herzog, ibid.	Typicality/ A historical Place/ representative of the city	نمونه‌واری	
چقدر مکان برای شما آشنا است؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight".	familiarity	آشنایی	

مربوط می‌شود. لیم و بارتون نیز در مطالعه حس مکان کودکان ۱۱ تا ۱۳ ساله، در دو منطقه مسکونی به این نتیجه رسیدند که رابطه افراد با مکان زندگی‌شان را در سه ویژگی اصلی می‌توان خلاصه کرد: (۱) فهم محیطی<sup>۸۸</sup> به معنای برداشتی که فرد از محیط دارد، (۲) رابطه عاطفی<sup>۸۹</sup> به معنای معنایی از مکان که حس تعلق فرد را بیان می‌کنند، و (۳) صلاحیت محیطی<sup>۹۰</sup> به معنای آگاهی فرد از توانایی خود در رفتارها و رفع نیازهایش در یک محیط<sup>۹۱</sup>. مجموعه این مفاهیم را می‌توان بر اساس شباهت در تعاریفشان به صورت «جدول ۲» نشان داد.

→ ادامه جدول ۱.

تعریف	نظریه پردازان	واژگان نظری	معیارها	ابعاد
چقدر معرف سبک مشخص و قابل تشخیصی است؟	Nasar, "Urban Design Aesthetics, The Evaluative Qualities of Building Exteriors"; idem, "New Development in Aesthetics for Urban Design".	Style	سبک	ادراکی - زیبایی‌شناختی فضایی / کالبدی
چقدر عناصر سبز شامل درخت و گل و گیاه ... وجود دارد؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight".	Naturalness/ Vegetation	سرسبزی	
چقدر از نقطه‌ای که ایستاده‌اید احساس گشودگی یا عمق دارید؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight"; Galindo & Hidalgo, ibid; Nasar, "Urban Design Aesthetics, The Evaluative Qualities of Building Exteriors"; idem, "New Development in Aesthetics for Urban Design"; Herzog, ibid.	Openness/ spaciousness	گشودگی	
چقدر احساس محصوریت دارید؟	Herzog, ibid.	Enclosure	محصوریت	
چقدر حواس مختلف شما را درگیر می‌کند؟	Galindo & Hidalgo, ibid.	Visual diversity/ richness	غنای حسی	
چقدر جای تمیز و پاکیزه‌ای است؟	Ibid.	Cleanliness	پاکیزگی	
چقدر احساس می‌کنید که از این مکان نگهداری می‌شود؟	Nasar, "Urban Design Aesthetics, The Evaluative Qualities of Building Exteriors"; idem, "New Development in Aesthetics for Urban Design"; Galindo & Hidalgo, ibid.	Maintenance/ upkeep	نگهداری	
آیا مکان جدید و خاصی است؟	Ibid; Herzog, ibid.	A novel Place/ newness/ age	حس زمان	
چقدر روشنایی و نور دارد؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight"; Galindo & Hidalgo, ibid.	Brightness/ Luminosity	روشن بودن	
چقدر عناصر مزاحم (کابل‌های تأسیسات، الحاقات، عناصر فرسودگی، ...) غلبه دارد؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight".	Nuisance elements	الحاقات و عناصر مزاحم	
چقدر فرصت‌های ملاقات و تعامل وجود دارد؟	Galindo & Hidalgo, ibid.	Meeting Places	مکان‌های ملاقات	اجتماعی
چقدر رفتارهای دیگران برای شما قابل پیش‌بینی و انتظار بوده است؟	Genereux, et al, "The Behavioral Component in the Meaning of Places".	Expected behaviors	مورد انتظار بودن رفتارها	
چقدر مکان فرصت‌های پناه گرفتن در اختیار شما می‌گذارد؟	Herzog, ibid.	Refuge	وجود پناهگاه	عملکردی / رفتاری
چقدر حضور در این مکان احساس تفریح و خوش‌گذرانی دارد؟ چقدر حضور در این مکان شما را از روزمره دور می‌کند؟ چقدر احساس فراغت از امور روزمره دارید؟	Galindo & Hidalgo, ibid; Korpela & Hartig, ibid; Hartig, et al, ibid.	Place for leisure/ Being away	مفرح بودن	
چقدر از نظر رفتاری محیط پاسخ‌گوی نیازهای شما است؟ چقدر نیازها و توقعات رفتاری شما را پاسخ می‌دهد؟	Genereux, et al, ibid; Korpela & Hartig, ibid; Hartig et al, ibid; Nasar, "Urban Design Aesthetics, The Evaluative Qualities of Building Exteriors"; idem, "New Development in Aesthetics for Urban Design".	Compatibility/ Perceived uses/ Suitability	همسازی عملکردها	
چقدر حضور خودروها غلبه دارد؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight".	Vehicles	حضور خودرو	
چقدر فضا مجهز به نورپردازی در شب است؟	Hanyu, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark"; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight".	Lighting	وجود نورپردازی	

## ۲. روش پژوهش

خیابان قدس، مرز شرقی فعلی دانشگاه تهران، خیابان انقلاب را به بلوار کشاورز وصل می‌کند و با خیابان‌های جمع و پخش‌کننده مهم ایتالیا، طالقانی، و بزرگمهر تقاطع دارد. ورودی غربی دانشگاه تهران، در محدوده تقاطع خیابان قدس و خیابان طالقانی، از نشانه‌های مهم این مکان است. وجود ردیف درختان قدیمی در دو سوی خیابان و همچنین نرده‌های سبزرنگ دانشگاه تهران تا اندازه‌ای خصلتی یکپارچه برای خیابان ایجاد کرده است؛ اما بر اساس تغییر شخصیت و حال‌وهوای خیابان می‌توان سه سکانس اصلی برای توصیف خیابان قدس برشمرد: سکانس یکم، حد فاصل خیابان انقلاب تا بالاتر از خیابان بزرگمهر که متأثر از حال‌وهوای خیابان انقلاب و عملکرد آن است. سکانس دوم، محدوده تقاطع خیابان طالقانی تا خیابان ایتالیا که وجود ورودی دانشگاه و تمرکز حضور دانشجویان و گشودگی دید به فضاهای داخلی دانشگاه آن را متفاوت کرده است. سکانس سوم، از خیابان ایتالیا تا بلوار کشاورز که متأثر از بلوار کشاورز است (تصاویر ۱ تا ۴).

در این پژوهش کاربست مجموعه معیارهایی که از مرور متون مرتبط با ترجیحات محیطی به دست آمده برای طراحان

شهری مورد آزمون قرار گرفته است. در این خصوص، روش پژوهش روش ترکیبی است که نتایج آن از مقایسه دو مرحله مطالعات میدانی کمی و کیفی، که به موازات هم انجام شده‌اند، به دست آمده است؛ در مرحله نخست خیابان قدس بر اساس مفاهیم و معیارها از سوی متخصص آموزش دیده (۲۰ دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری) ارزیابی شد. همان‌گونه که در «جدول ۳» آمده است، برای معیارها دامنه‌ای کمی (بر اساس طیف ۷ درجه‌ای لیکرت، بین خیلی کم تا خیلی زیاد) در نظر گرفته شد و ارزیابی‌ها همراه با یادداشت‌های تحلیلی ثبت شد. نتیجه ارزیابی‌های این مرحله، توصیفی کمی از کیفیت خیابان قدس بر اساس چارچوب مفهومی پژوهش است (جدول ۳).

در مرحله دوم از طریق مصاحبه، حس مکان ۲۵ دانشجوی دانشگاه تهران مطالعه شد. در واقع با انتخاب دانشجویان عامل «آشنایی» با مکان ثابت فرض شد. برای انجام مصاحبه‌ها



52. Mystery  
 53. Ibid.  
 54. Galindo & Rodríguez, ibid, p. 14.  
 ۵۵. نک: Nasar, ibid  
 56. Likeability  
 ۵۷. نک: Hanyu, ibid; Idem, "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight".  
 58. categorizing  
 59. category- identifying methodology (CIM)

جدول ۲ (راست). ابعاد رابطه انسان- مکان، تدوین: نگارنده. تصویر ۱ (چپ). پلان موقعیت خیابان قدس در عکس هوایی، مأخذ عکس هوایی: google earth، پردازش: نگارنده.

اشکال بروز هویت برکول	ابعاد حس مکان لیم و بارتون (Lim & Barton, "Exploring in Urban Children's Sense of Place")	رابطه انسان- مکان کانتز (Canter, <i>The Psychology of Place</i> )	ابعاد حس مکان استدمن (Stedman, "Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes toward Their Properties")
عمل (رفتار) Action	صلاحیت محیطی Environmental competence	عمل Action	وابستگی مکانی Place dependence
تفکر Thought	فهم محیطی Environmental Understanding	شناخت Cognition	هویت مکانی Place identity
عاطفه Affect	رابطه عاطفی Affective relation	عاطفه Emotion	دلبستگی مکانی Place Attachment



60. A.E. Stamps, "Mystry, Complexity, Legibility and Coherence: A Meta-analysis", p. 2; T.R. Herzog, "A Cognitive Analysis of Preference for Urban Spaces", p. 237.

61. Kaplan, R. & Kaplan, S., *The Experience of Nature: A Psychological Perspective*, p. 20

62. Stamps, *ibid.*

63. familiarity

۴۶ نک:

M Paz Galindo & M.C. Hidalgo, "Aesthetic Preferences and the Attribution of Meaning: Environmental Categorization Processes in the Evaluation of Urban Scenes"; Zhang & Lin, "Affective Appraisal of Residents and Visual Elements in the Neighborhood".

۴۵ نک:

D. Wood & R. Beck, "Talking With Maps: Environmental A, An Experimental Mapping Language".

تصویر ۲ (راست، بالا). سکانس یکم، تقاطع خیابان انقلاب  
تصویر ۳ (راست، پایین). سکانس دوم، ورودی دانشگاه در تقاطع خیابان طالقانی  
تصویر ۴ (چپ). سکانس سوم، تقاطع بلوار کشاورز  
عکس‌ها: نگارنده

مسیر اختیاری خود فرد همراهی کرد و مسیر و گفتگوها ثبت شد.

برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل کیفی محتوا<sup>۹۴</sup> استفاده شد، این روشی برای تحلیل داده‌هایی کیفی است. و بر شباهت و تفاوت میان داده‌های یک متن متکی است. دربارهٔ این روش به تفاوت دو رویکرد مختلف اشاره می‌شود: رویکرد استقرایی<sup>۹۵</sup> و رویکرد قیاسی<sup>۹۶</sup>. در رویکرد استقرایی — که داده-مبنا یا متن-مبنا<sup>۹۷</sup> نیز نامیده می‌شود — پژوهشگر با مقایسهٔ داده‌ها در پی کشف مفاهیم، مقولات، و مضامین است. در این روش او از داده حرکت می‌کند و به فهمی نظری از پدیده می‌رسد. اما در رویکرد قیاسی — که مفهوم-مبنا<sup>۹۸</sup> نیز گفته می‌شود — پژوهشگر درون داده‌ها در پی مفاهیمی است که از پایگاهی نظری استخراج شده باشد، یعنی از نظریه به سمت داده‌ها حرکت می‌کند<sup>۹۹</sup>. در این پژوهش با توجه به اینکه هدف آزمودن کاربرد چارچوب مفهومی است، ترکیبی از هر دو رویکرد استفاده شد<sup>۱۰۰</sup>. متداول‌ترین روش نمونه‌گیری در روش تحلیل کیفی محتوا نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱۰۱</sup> است؛ زیرا پژوهشگر باید نمونه‌هایی را انتخاب کند که دربارهٔ پدیدهٔ مورد پژوهش دانش کافی داشته باشند<sup>۱۰۲</sup>. در مصاحبه با شرکت‌کنندگان دو سؤال کلیدی راهنمای هدایت مصاحبه بوده‌اند:

از روش «با هم پیمودن»<sup>۹۲</sup> استفاده شد. این روش فرمی از مصاحبهٔ عمیق است که در آن پژوهشگر افراد شرکت‌کننده در پژوهش را در مکان مورد پژوهش، که شرکت‌کننده با آنجا آشنایی دارد، همراهی (به صورت پیاده‌روی، رانندگی، و...) و با او گفتگو می‌کند تا تجربه و تفسیر فرد را در محیط واقعی و درحالی‌که فرد به طور فعال درون مکان در حرکت است، مطالعه کند؛ به بیان دیگر دو روش مصاحبه و مشاهده را در ترکیب با هم به کار می‌گیرد و از مزایای هر دو روش بهره می‌برد<sup>۹۳</sup>. در این پژوهش مصاحبه‌گر دانشجویان را در خیابان قدس و طی



جدول ۳. ارزیابی خیابان قدس توسط متخصص و بر اساس چارچوب مفهومی؛ لازم به ذکر است که در راستای هم‌سنجی معیارها (به مثابه کیفیت‌های فضای مطلوب)، دو معیار «عناصر مزاحم» و «خودرو» به ترتیب با دو مفهوم «آراستگی محیط» و «محدودیت خودرو» جانشین شده‌اند، پژوهش و تدوین: نگارنده. ←

– خیابان قدس چگونه مکانی است؟

– چه ویژگی‌هایی از این خیابان برای شما خوشایند یا ناخوشایند است؟

در این پژوهش، بر اساس گام‌های روش تحلیل کیفی محتوا<sup>۱۰۳</sup>. فرایندی نظاممند طی شد: در آغاز متن ضبط‌شده هریک از مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و واحدهای معنایی<sup>۱۰۴</sup> آن‌ها استخراج شد. سپس واحدهای معنایی چکیده<sup>۱۰۵</sup> شکل گرفتند و طی فرایند کدگذاری باز، برای واحدهای معنایی چکیده برچسب‌ها یا کدهایی تعریف شد. سپس، با مقایسه میان کدهای

شکل‌گرفته در نمونه‌ها، فرایند مقوله‌بندی انجام و خوشه‌های مقوله‌ها<sup>۱۰۶</sup> ساخته شد. معنای نهفته در هر خوشه مبنای ساخت مضامین<sup>۱۰۷</sup> قرار گرفتند (جدول ۴). فرایند نمونه‌گیری و تحلیل متن مصاحبه‌ها و مقایسه کدها تا نقطه اشباع مقوله‌ها پیش رفت. همچنین برای کنترل روایی یافته‌های پژوهش و تدقیق کاربست چارچوب پیشنهادی، مقاله از سوی ۵ طراح شهری (۲ استاد دانشگاه و ۳ دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری) ارزیابی گردید.

ابعاد	معیارها	ارزیابی کمی	توضیحات
فضایی / کابندی	پاسخ به فرایند پردازش اطلاعات محیطی	خوانایی	متوسط تا زیاد
		انسجام	متوسط تا زیاد
		پیچیدگی	کم تا متوسط
		راژ آمیزی	کم
		نمونه‌واری	متوسط تا زیاد
فضایی / کابندی	ادراکی - زیبایی‌شناختی	آشنا بودن	این معیار سنجیده نشده است، چون گروه هدف دانشجویان دانشگاه تهران هستند که با خیابان قدس آشنایی خیلی زیاد دارند.
		برخورداری از سبک	زیاد
		گشودگی	متوسط
		محصوریت	متوسط تا زیاد
		سرسبزی	متوسط تا زیاد
		غنای حسی	متوسط تا زیاد
		پاکیزگی	متوسط
		نگهداری	متوسط
		رهاشده‌گی برخی ساختمان‌های قدیمی و متروک و همچنین وضعیت فرسودگی کف‌سازی قابل توجه است.	

### ۳. یافته‌ها

بر اساس ارزیابی‌های مرحلهٔ یکم (جدول ۳)، خیابان قدس بیشترین همخوانی را از نظر پاسخ به فرایند پردازش اطلاعات در معیارهای خوانایی، انسجام، و نمونه‌وار بودن دارد (معیار «آشنا بودن» در این ارزیابی سنجیده نشده است چون گروه هدف دانشجویان دانشگاه تهران هستند)؛ در بعد زیباشناختی، در معیارهای سربیزی، برخورداری از سبک، محصوریت، غنای حسی و حس زمان، و در بعد اجتماعی، از نظر قابل پیش‌بینی و مورد انتظار بودن رفتارها برجسته است. بر اساس امتیازها، خیابان قدس کمترین انطباق را با معیارهای بعد عملکردی دارد؛

همچنین از نظر پیچیدگی و رازآمیزی (در بعد نیازهای فرایند پردازش اطلاعات)، وجود پناهگاه (در بعد ادراکی-زیباشناختی)، و مکان‌های ملاقات (در بعد اجتماعی) نیز ضعیف است. مضامین به‌دست‌آمده در تحلیل محتوای داده‌های مرحلهٔ دوم، سه بعد شناختی، عاطفی، و رفتاری را در ادراک افراد از خیابان قدس توصیف می‌کنند (جدول ۴). همچنین تجربه‌ای که با مقوله‌ها و مضامین به‌دست‌آمده توصیف شده است می‌تواند مبنای تشخیص تأثیر معیارهای ترجیحات محیطی باشد؛ چنان‌که در ستون «مقایسه با معیارهای ترجیحات محیطی» در «جدول ۴» نشان داده شده است:

ابعاد	معیارها	ارزیابی کمی	توضیحات
اجتماعی	حس زمان	متوسط تا زیاد	دانشگاه تهران با وجود قدمت زیاد و معماری نسل اول مدرن تهران، که بخش بزرگی از خیابان را گرفته، القاگر این حس است. همچنین الگوی فضایی خود خیابان و درختان کهن‌سال چنار این ویژگی را برجسته می‌کند.
	روشن بودن	متوسط	این خیابان به دلیل شمالی-جنوبی بودن نورگیر است؛ اما وجود درختان بلند و سایهٔ آن‌ها روشنایی را کم می‌کند.
	آراستگی محیط	متوسط	برخی الحاقات (عناصر تأسیساتی) در بدنهٔ خیابان و در سطح پیاده‌رو وجود دارد؛ اما غالب نیست و اغلب به خاطر وجود درختان دید به آن‌ها ملموس نیست.
عملکردی / رفتاری	وجود مکان‌های ملاقات	کم	بسیار اندک است. فضای عبور است. تنها برای قرار ملاقات درب دانشگاه و بعد از کلاس‌ها در کافه یا شهر کتاب
	مورد انتظار بودن رفتارها	متوسط تا زیاد	از آنجا که بیشتر رهگذران دانشجویان یا ساکن هستند و همچنین به دلیل کم بودن پتانسیل تنوع رفتاری، رفتارها به‌نسبت پیش‌بینی‌پذیر هستند.
عملکردی / رفتاری	وجود پناهگاه	خیلی کم	پیاده‌روها عریض هستند؛ اما فرصت‌های فضایی یا تجهیزات شهری برای مکت و پناه گرفتن از جریان خیابان اندک است. نرده‌های دانشگاه و جداره‌های صلب باعث تشدید این ویژگی شده‌اند. تنها مکان‌هایی مانند معدود کافه‌های موجود و شهر کتاب امکان پناه گرفتن را فراهم می‌کنند. همچنین فاقد فضای مکت و مبلمان در طول مسیر است.
	مفرح بودن	کم	حضور در آن بیشتر برای تردد است. به خاطر وجود کافه‌ها و شهر کتاب گذران وقت و استراحت بعد از کلاس‌ها به میزان کم در این خیابان امکان‌پذیر است.
	همسازی عملکردها	متوسط	برخی کاربری‌های متناسب با نیازهای دانشجویان مانند شهر کتاب و کافه و آموزشگاه‌ها وجود دارد. از این نظر هم با توجه به نزدیکی به خیابان انقلاب، این پاسخ‌گویی چندان بارز نیست؛ اما فاقد فضای جمعی و مبلمان در طول مسیر است.
	محدودیت خودرو	کم تا متوسط	قرار گرفتن در محدودهٔ طرح ترافیک و یک‌طرفه بودن خیابان ترافیک را تا اندازه‌ای کم کرده است؛ اما حضور خودرو به طور کلی ملموس و غالب است. عبور از عرض خیابان برای پیاده‌ها ایمن نیست.
	وجود نورپردازی	کم	این فضا دارای میزان کافی چراغ روشنایی است؛ اما ارتفاع بلند درختان مانع از روشنایی کامل فضا می‌شود. عمدهٔ روشنایی معابر به دلیل فعالیت برخی واحدهای جدارهٔ شرقی خیابان است و پیاده‌روی غربی (بدنهٔ دانشگاه تهران) تقریباً تاریک است.

جدول ۴. تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌ها، تدوین: نگارنده.



بعد شناختی: این بعد خود ناظر بر دو موضوع است: یکی شناختی که فرد از خیابان قدس به مثابه مکانی متمایز دارد، یا به بیانی دیگر «هویت مکان» را می‌شناسد، و دیگری شناختی که فرد به واسطه‌ی تجربه خیابان قدس از ویژگی‌های خود حاصل می‌کند و به هویت او اشاره دارد، یعنی «هویت مکانی» او. آنچه درباره خیابان قدس شکل‌گیری هویت مکان در تجربه افراد را رقم زده، وجود عناصری هویت‌بخش یا «ویژگی‌هایی خصیصه‌نما»<sup>۱۰۸</sup>

است؛ در مورد خیابان یادشده می‌توان به سرسبزی و حضور غالب درختان اشاره کرد که تجربه پیوند با طبیعت و جلوه‌های گوناگون آن را تا اندازه‌ای فراهم کرده است. همچنین درختان قدیمی خیابان قدس به گونه‌ای دو سوی خیابان کاشته شده‌اند که انسجام و کلیتی هویت‌مند را شکل داده و تداعیگر دیگر خیابان‌های مشابه در تهران و به‌ویژه اطراف دانشگاه تهران و معرف دوره زمانی مشخصی نیز هستند. همجواری خیابان قدس با عناصر شاخصی

	خوشه‌های مقولات		واحد‌های معنایی چکیده	مقایسه با معیارهای ترجیحات محیطی
	مضمین	مقولات		
۳ ۴		- حضور غالب و هویت‌بخش درختان بلند	- زیبایی درختان دو طرف خیابان - متفاوت بودن خیابان به خاطر درختانش - درختان اولین چیز جلب توجه کننده در خیابان - تداعی دیگر خیابان‌های مشابه در تهران - درختان قدیمی چنار	- سبز بودن و حضور طبیعت - انسجام فضا به دلیل حضور یکپارچه درختان - نمونه‌وار بودن مکان به مثابه خیابانی پر درخت - حس زمان به واسطه درختان قدیمی - غنای حسی و زیبایی خیابان
		- هم‌جواری با دانشگاه تهران به مثابه مکانی خاص	- نرده‌های سبز دانشگاه - سردر شرقی دانشگاه - قدمت دانشگاه تهران - معماری خاص ساختمان‌های دانشگاه و حال‌وهوای دانشگاه - فضاها و دانشجویانی که در خیابان از پشت نرده‌ها دیده می‌شوند - پیاده‌رو سمت دانشگاه - حس و حال فرهنگی خیابان و حضور دانشجویان - زیبایی دانشگاه تهران	- رازآمیزی ناشی از تداخل و پیوند فضایی و بصری میان دانشگاه و خیابان، - تشخیص سبک متمایز دانشگاه تهران - خوانایی به واسطه عناصر شاخص - وجود سبک معماری هویت‌مند و حس زمان - رفتارهای مورد انتظار در خیابان به دلیل غلبه حضور دانشجویان
		تجربه حسی متمایز، به واسطه عناصر طبیعت	- حس خوب راه رفتن زیر سایه درختان - خنکی به خاطر وجود درختان - زیبایی برگ‌های رنگارنگ پاییزی و صدای خش خش برگ‌ها - انعکاس آفتاب در لای درختان - صدای ضعیف آب در جوی پای درختان	- سبز بودن - غنای حسی به دلیل حضور طبیعت و گوناگونی ناشی از آن
		این‌همانی با دانشگاه (احساس تمایز فردی)	- حس خوب از دیدن نرده‌های سبز و سردر دانشگاه تهران - اهمیت دانشگاه تهران در زندگی من - دانشجو بودن	- آشنایی فرد با مکان به مثابه بخشی از هویت فرد - خوانایی پیوند فضایی خیابان با عناصر معرف هویت فرد

مانند دانشگاه تهران نیز از دیگر ویژگی‌های خصیصه‌نمای این خیابان است که هم آن را متمایز کرده و هم از نظر موقعیت و انتظام فضایی نیز باعث خوانایی روابط فضایی محدوده شده است. از سوی دیگر، نقش خیابان قدس در هویت مکانی دانشجویان به خاطر «این‌همانی با دانشگاه» (دانشجوی دانشگاه تهران بودن) و اتمسفر اجتماعی محدوده (تیپ دانشجویی) بارز است و هویت مکانی افراد را تقویت می‌کند.

– بعد عاطفی: تجربه دانشجویان از خیابان قدس نیز به خاطر آشنایی و انس آن‌ها با این خیابان با علقه همراه است؛ پیوند عاطفی و دلبستگی دانشجویان به دانشگاه و تداوم و گسترش آن به خیابان قدس و مکان‌هایی خاص مانند کافه‌ها و شهر کتاب بارز است. مکان‌های ملاقات معدودند، اما نقش مهمی در این زمینه داشته‌اند و دارند.

– بعد رفتاری: در توصیف‌های دانشجویان، دو مقوله «آسایش» → ادامه جدول ۴.

	خوشه‌های مقولات		واحد‌های معنایی چکیده	مقایسه با معیارهای ترجیحات محیطی
	مضمین	مقولات		
دل‌بستگی	علقه و دلبستگی به مکان	تعلق به دانشگاه	<ul style="list-style-type: none"> <li>– دانشگاهم را دوست دارم،</li> <li>– دانشجویانی که بدون دغدغه راه می‌روند</li> <li>– حال‌وهوای دانشگاه</li> <li>– فضاها و دانشجویانی که در خیابان از پشت زنده‌ها دیده می‌شوند</li> <li>– راه رفتن در پیاده‌رو سمت دانشگاه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– آشنایی و پیوند عاطفی فرد نسبت به مکان و اتمسفر اجتماعی خاص</li> <li>– آشنایی و انس با تیپ اجتماعی غالب مکان</li> </ul>
		رنگ تعلق؛ مرجع‌های شخصی در پیوند با روحیه دانشجویی	<ul style="list-style-type: none"> <li>خاطرات از پاتوق‌های شخصی و قرارهای گروه دوستی: شهر کتاب، کافه نفس، ورودی دانشگاه، اتفاقات خاص شخصی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– آشنایی با مکان به خاطر دلبستگی‌های فردی و جمعی</li> <li>– معدود مکان‌های ملاقات تا اندازه‌ای بستر شکل‌گیری خاطرات فردی و جمعی و پاتوق‌های فردی و جمعی را فراهم کرده‌اند.</li> </ul>
رفتاری	صلاحیت محیطی	آسایش و امنیت (اولویت‌های عملکردی محیط)	<ul style="list-style-type: none"> <li>– خوبی عریض بودن پیاده‌روها</li> <li>– نارضایتی از تعداد زیاد خودروها</li> <li>– خطر عبور از خیابان در تقاطع‌ها به‌ویژه جلوی ورودی دانشگاه</li> <li>– پارک حاشیه‌ای خودروها</li> <li>– آلودگی هوا به خاطر خودروها</li> <li>– تاریک بودن خیابان در شب</li> <li>– زباله‌های ریخته شده در جوی آب</li> <li>– متروکه و فرسوده بودن ساختمان‌های قدیمی</li> <li>– اندک بودن فضاهای نشستن و وقت‌گذراندن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– خوشایندی گشودگی فضا</li> <li>– نارضایتی از عدم محدودیت حضور خودرو و عدم ایمنی پیاده</li> <li>– نامناسب بودن نورپردازی و ناامنی در شب</li> <li>– ارزیابی تمیزی فضا</li> <li>– توجه به ضعف نگهداری از ساختمان‌های قدیمی</li> <li>– کمبود مکان‌های ملاقات و پناهگاه‌هایی برای خلوت و وقت‌گذراندن</li> </ul>
		مقصد یا مکان گذر (قدرت انتخاب رفتاری)	<ul style="list-style-type: none"> <li>– دسترسی نسبی به آموزشگاه‌ها</li> <li>– وجود شهر کتاب و چند کافه در خیابان در نزدیکی دانشگاه</li> <li>– بیشتر فضای عبور است</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– تناسب عملکردها در پیوند با دانشگاه به‌نسبت وجود دارد و تا اندازه‌ای مقاصد و الگوهای رفتاری روزمره‌ی دانشجویان را پاسخ می‌دهد</li> <li>– آشنایی با تعدادی عملکردهای خاص برای مراجعه به مثابه مقصد وجود دارد اما جایی مفرح نبرای گذران وقت نیست</li> </ul>

نک: ۷۱.

D. Canter, *The Psychology of Place*.  
 72. Thought  
 73. Affect  
 74. Action  
 75. C. Twigger-Ross, et al, "Identity Theories and Environmental Psychology".  
 76. Place Identity  
 77. Place Attachment  
 78. Place Dependence  
 79. R. Stedman "Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes toward Their Properties", p. 234.  
 80. Ibid, p. 233.

لازم به ذکر است که می‌باید به تفاوت تعریف مفهوم حس مکان نزد روان‌شناسان محیطی و جغرافی‌دانان پدیدارشناس (مانند یی فو توان و ادوارد رلف، و متأثر از آن‌ها نوربرگ شولتز و ادموند سیمون) توجه داشت. در روان‌شناسی محیطی حس مکان معرف حس (مثبت و منفی) نسبت به هر مکانی است، اما نزد پدیدارشناسان مفهوم مکان بر اساس معیار اصالت، از مفهوم نامکان متمایز می‌شود و از این رو حس مکان اشاره به کیفیت و تجربه مکانی مشخصی دارد. در این پژوهش تعریف روان‌شناختی از مفهوم حس مکان مینا بوده است (نویسنده).

81. Place Meaning  
 82. جهان‌شاه پاکزاد و شمین گلرخ، «فهم تجربه تغییر یکبارۀ مکان؛ حس مکان ساکنان و کسبه خیابان پیاده‌راه‌شده ۱۷ شهریور»، ص ۶۸.

و امنیت» و «مقصد یا مکان گذر» توصیفگر ارزیابی افراد از موقعیت‌های رفتاری است که در خیابان قدس تجربه می‌کنند. مقوله اول معرف سطح رضایت دانشجویان از اولویت‌های عملکردی خیابان قدس است و مقوله دوم معرف احساس آن‌ها از قدرت انتخابشان در رفتار در این خیابان است. مفهوم صلاحیت محیطی که ناظر بر بعد رفتاری ادراک فرد از محیط است دو مقوله مزبور را در بر می‌گیرد.

با مقایسه جدول مزبور و نتایج مرحله یکم، به نظر می‌رسد معیارهایی که در «جدول ۳» بیشترین کمیت را دارند، در تجربه زیسته دانشجویان از این خیابان نیز تأثیر بارزی دارند، و به همین نسبت، کیفیت‌هایی که کمترین امتیاز را داشته‌اند (به‌ویژه در بعد عملکردی) نیز معرف خلأهایی در تجربه افراد هستند. همچنین معیار «آشنایی» و سابقه‌ای که فرد از تجربه مکان دارد عاملی مهم در ارزیابی فرد از مکان است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

مقایسه آنچه طراحان شهری از کیفیت‌ها و استعداد‌های یک مکان تشخیص می‌دهند و آنچه مردم در واقعیت ادراک می‌کنند یا توقع دارند از دغدغه‌های طراحان شهری است. اینکه چه کیفیتی برای چه مکانی و برای چه گروه‌هایی و توسط چه کسی و چگونه ایجاد شود تا اندازه زیادی متأثر از فهم رابطه تصویر ذهنی افراد و محمل‌های عینی آن است. در فرایند طراحی شهری، ارزیابی متخصص از کیفیت‌های یک مکان با روش‌هایی انجام می‌شود و مفاهیم و چارچوب‌هایی مبنای ارزیابی قرار می‌گیرد. به طور مثال مارچلا سپه برای طراحی مکان متناسب با هویت آن، و با تکیه بر مفهوم «نقشه‌برداری هویت مکان»، روش چندسطحی مکان‌ساز<sup>۱۰۶</sup> را پیشنهاد داده است<sup>۱۱۰</sup>. این روش از فرایندی تشکیل شده که به طور متناوب تحلیل‌های محیط عینی توسط متخصص و ذهنیت مخاطبان مکان را در نظر می‌گیرد. به این صورت که پس از سنجش ابعاد

حسی و ادراکی مکان توسط متخصص، و تحلیل ادراک مردم و تصویر ذهنی آن‌ها، از تعامل این دو مرحله نقشه‌ای تولید می‌شود که بر اساس آن فرصت‌های هویت‌بخش و عناصر کلیدی آن مکان شناسایی می‌شوند. نتایج این تحلیل پس از ارزیابی دوباره مردم مبنای تعریف پروژه‌های پیشنهادی قرار می‌گیرد.

در مطالعاتی که ذیل مفهوم ترجیحات محیطی تا کنون انجام شده، معیارهایی عام به مثابه مبنای ارزیابی فرد از محیط پیشنهاد شده است که کاربست آن‌ها در ارزیابی کیفی یک فضای شهری خاص برای طراحان شهری نیاز به تدقیق دارد. در پاسخ به پرسش این پژوهش، یافته‌های این پژوهش با مقایسه داده‌هایی که طی مصاحبه (تحلیل تجربه فرد از فضای شهری)، از یک سو، و ارزیابی متخصص (تحلیل فضای شهری بر اساس معیارهای ترجیحات محیطی)، از سوی دیگر، به دست آمد، نشان می‌دهد که برای کاربست معیارهای ترجیحات محیطی در ارزیابی میزان مرجح بودن یک فضای شهری توسط متخصص، نیاز است که تشخیص متخصص از میزان تأثیر هر معیار در شکل‌گیری سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری حس مکان فرد نیز مورد توجه قرار بگیرد. آزمون‌هایی که در این پژوهش در دو مرحله کمی و کیفی درباره یک فضای شهری مشخص (خیابان قدس) انجام شد، نشان داد که ارزیابی متخصص از ویژگی‌های عینی مکان می‌تواند تا اندازه زیادی مبنای تشخیص و ارزیابی میزان تأثیر این ویژگی‌ها بر ابعاد مختلف حس مکان گروه هدف باشد. این موضوع در چارچوب ارزیابی پیشنهادی این پژوهش در «جدول ۵» ارائه شده است. این چارچوب پیشنهادی معرف چک لیستی است که طراحان شهری می‌توانند برای ارزیابی میزان مرجح بودن یک فضای شهری به کار برند. لازم به ذکر است که با توجه به اهمیت عامل «آشنایی» در حس مکان فرد، تعریف گروه هدف در ارزیابی میزان مرجح بودن یک فضای شهری ضروری است و گروه هدف و نسبت آن با مکان مورد مطالعه می‌باید پیش از ارزیابی تدقیق شده باشد.

۸۳. نک:

M. Lewicka, "Place Attachment: How far Have We Come in the Last 40 years?"; B. Hernandez, et.al, "Place Attachment and Place Identity in Natives and Non-natives".  
84. Self

۸۵. نک:

H.M. Proshansky, "The City and Self Identity".

۸۶. نک:

I. Altman & S.M. Low, *Place Attachment (Human Behavior and Environment)*; M.C. Hidalgo & B. Hernandez, "Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions", p. 274.

۸۷. نک:

D. Stokols & S.A. Shumakher, "People in Places: A Transactional View of Settings".  
88. Environmental Understanding  
89. Affective Relationship  
90. Environmental Competence  
91. M. Lim & A.C. Barton, "Exploring in Urban Children's Sense of Place", pp. 331-333.

جدول ۵. چارچوب پیشنهادی برای کاربست معیارهای ترجیحات محیطی در ارزیابی طراحی شهری از یک فضای شهری، تدوین: نگارنده.

سنجش تأثیر معیار در ابعاد حس مکان فرد یا گروه هدف (توصیف کمی و کیفی)				میزان انطباق معیار با مکان (خیلی زیاد تا خیلی کم)	معیارهای ترجیحات محیطی	ابعاد
رفتاری		عاطفی	شناختی			
وابستگی مکانی (صلاحیت محیطی)		دلبستگی مکانی	هویت مکانی (احساس تمایز فردی)			
ترجیح موقعیت‌های رفتاری در مقایسه با دیگر مکان‌ها		ایجاد بستر شکل‌گیری یا بروز پیوندهای عاطفی	امکان بروز یا مواجهه‌ی فرد با ویژگی‌های خود به‌واسطه‌ی مکان	ایجاد ویژگی‌های خاص‌نمای مکان		پاسخ به فرآیند پردازش اطلاعات محیطی
احساس قدرت انتخاب در رفتار	رضایت از اولویت‌های عملکردی محیط				خوانایی	
					انسجام	
					پسچیدگی	
					رازآمیزی	
					نمونه‌واری	فضایی / کالبدی
					آشنایی	
					برخورداری از سبک	
					سرسبزی	
					گشودگی	
					محصوریت	
					غنا‌ی حسی	
					پاکیزگی	
					نگهداری	
					حس زمان	
					روشن بودن	اجتماعی
					آراستگی محیط	
					وجود مکان‌های ملاقات	
					مورد انتظار بودن رفتارها	
					وجود پناهگاه	عملکردی / رفتاری
					مفرح بودن	
					همسازی عملکردها	
					محدودیت خودرو	
					وجود نورپردازی	

## منابع و مأخذ

پاکزاد، جهان‌شاه و شمین گلرخ. «فهم تجربه تغییر یکباره مکان؛ حس مکان ساکنان و کسبه خیابان پیاده‌راه‌شده ۱۷ شهر یور»، در نشریه علمی-پژوهشی صفحه، ش ۷۰ (پاییز ۱۳۹۴)، ص ۶۵-۸۰.

Altman, Irwin & Setha M. Low. *Place Attachment (Human Behavior and Environment)*, Springer, 1992.

Appleyard, Donald. *Planning a Pluralist City: Conflicting Realities in Ciudad Guayana*, Cambridge, The MIT Press, 1976.

Bergeron, Julie, et al. "Uncovering Landscape Values and Micro-geographies of Meanings with the Go-along Method", in *Landscape and Urban Planning*, 122 (2014), pp. 108-121.

Berlyne, D.E. *Aesthetics and Psychobiology*, Appleton-Century-Crofts, 1971.

Bonaiuto, Marino & Ferdinando Fornara & Mirilia Bonnes. "Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in Urban Environments: a Confirmation Study on the City of Rome", in *Landscape and Urban Planning*, 65 (2003), pp. 41-52.

Canter, David. *The Psychology of Place*, London: the architectural press, 1977.

Carpiano, Richard M. "Come Take a Walk with Me: The Go-Along Interview as a Novel Method for Studying the Implications of Place for Health and Well-being", in *Health & Place*, 15 (2009), pp. 263-272

Erlingsson, Christen & Petra Brysiewicz. "A Hands-on Guide to Doing Content Analysis", in *African Journal of Emergency Medicine*, 7(3) (2017), pp. 93-99.

Elo, Satu, et al. "Qualitative Content Analysis: A Focus on Trustworthiness", in *SAGE Open*, 4(1) (2014), pp. 1-10

Epstein, Seymour. "The Self-Concept Revisited", in *American Psychologist*, 28 (1973), pp. 404-414.

Galindo, M Paz & José Antonio Corraliza Rodríguez. "Environmental Aesthetics and Psychological Wellbeing: Relationships between Preference Judgments for Urban Landscapes and other Relevant Affective Responses", in *Psychology in Spain*, 4(1) (2000), pp. 13-27.

Galindo, M Paz & M. Carmen Hidalgo. "Aesthetic Preferences and the Attribution of Meaning: Environmental Categorization Processes in the Evaluation of Urban Scenes", in *International Journal of Psychology*, 40(1) (2005), pp. 19-26.

Genereux, Randy L. & Lawrence M. Ward & James A. Russell. "The Behavioral Component in the Meaning of Places", in *Journal of Environmental Psychology*, 3 (1983), pp. 43-55.

Gifford, Robert (ed.). *Research Methods for Environmental Psychology*, UK: WILEY, 2016.

Golledge, R.G. "An Anchor Point Theory of the Acquisition of Spatial Knowledge and some Empirical Observations", in Paper presented at the *Annual Meetings of the Association of American Geographers*, Washington D.C., 1984.

\_\_\_\_\_. "Environmental Cognition", in D. Stokols, I. Altman and E. Willems (eds), *Handbook of Environmental Psychology*, New York: John Wiley, 1985.

\_\_\_\_\_. "Learning about Urban Environments", in T. Carlstein, D. Parkes and N. Thrift (eds), *Timing Space and Spacing Time*, London: Edward Arnold, 1978.

Graneheim, U.H. & B. Lundman. "Qualitative Content Analysis in Nursing Research: Concepts, Procedures and Measures to Achieve Trustworthiness", in *Nurse Educ. Today*, 24(2) (2004), pp. 105-112.

Graneheim, Ulla H., et al. "Methodological Challenges in Qualitative Content Analysis: A Discussion Paper", in *Nurse Education Today*, 56 (2017), pp. 29-34

Hanyu, Kazanori. "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas after Dark", in *Journal of Environmental Psychology*, 17 (1997), pp. 301-315.

\_\_\_\_\_. "Visual Properties and Affective Appraisals in Residential Areas in Daylight", in *Journal of Environmental Psychology*, 20 (2000), pp. 273-284.

92. "go along with" method  
۹۳. نک:

M. Kusenbach, "Street Phenomenology; The Go-along as Ethnographic Research Tool"; R.M. Carpiano, "Come Take a Walk with Me: The Go-Along Interview as a Novel Method for Studying the Implications of Place for Health and Well-being"; J. Bergeron, et al, "Uncovering Landscape Values and Micro-geographies of Meanings with the Go-along Method".  
94. Qualitative Content Analysis (R. Gifford, *Research Methods for Environmental Psychology*).

95. Inductive  
96. Deductive  
97. data- driven\ text-driven  
98. concept- driven  
99. U.H. Graneheim, et al, "Methodological Challenges in Qualitative Content Analysis: A Discussion Paper", p. 30.  
100. abduvctive approach  
101. purposive sampling  
102. S. Elo, et al, "Qualitative Content Analysis: A Focus on Trustworthiness", p. 4.

۱۰۳. نک:

U.H. Graneheim & B. Lundman, "Qualitative Content Analysis in Nursing Research:







→ Concepts, Procedures and Measures to Achieve Trustworthiness"; C. Erlingsson & P. Brysiewicz, "A Hands-on Guide to Doing Content Analysis". 104. meaning units 105. condensed meaning units 106. Categories 107. Theme 108. characteristic 109. place maker

۱۱۰. نک:

Marichela Sepe, "PlaceMaker Method: Planning 'Walkability' by Mapping Place Identity"; Idem, "Creating Sustainable Urban Landscapes; Mapping with PlaceMaker".

Hartig, Terry, et al. "A Measure of Restorative Quality in Environment", in *Scandinavian Housing & Planning Research*, 14 (1997), pp. 175-194.

Hernandez, Bernardo, et.al. "Place Attachment and Place Identity in Natives and Non-natives", in *Journal of Environmental Psychology*, 27 (2007), pp. 310-319.

Herzog, Thomas R. "A Cognitive Analysis of Preference for Urban Spaces", in *Journal of Environmental Psychology*, 12 (1992), pp. 237-248.

Hidalgo, M.C. & B. Hernandez. "Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions", in *Journal of Environmental Psychology*, 21 (2001), pp. 273-281.

Jorgensen, Bradley S. "Subjective Mapping Methodologies for Incorporating Spatial Variation in research on Social Capital and Sense of Place", in *Journal of Economic and Social Geography*, 101(5) (2010), pp. 554-567.

Jorgensen, Bradley & Richard C. Stedman. "Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitude toward Their Properties", in *Journal of Environmental Psychology*, 21 (2001), pp. 233-248.

Kaplan, Stephen. "Perception and Landscape: Conceptions and Misconceptions", in Elsner, Gary H., and Richard C. Smardon, Technical Coordinators, *Proceedings of our National Landscape: a Conference on Applied Techniques for Analysis and Management of the Visual Resource*, Berkeley, CA. Pacific Southwest Forest and Range Exp. Stn., Forest Service, U.S. Department of Agriculture, 1979, pp. 241-248.

Kaplan, R. & S. Kaplan. *The Experience of Nature: A Psychological Perspective*, New York: Cambridge University Press, 1989

Kaplan, R., et al. "Environmental Preference: a Comparison of four Domains of Predictors", in *Environment and Behavior*, 21 (1989), pp. 509-530.

Kaplan, S. "An Informal Model for the Prediction of Preference", in E. H. Zube, et al (eds.), *Landscape Assessment: Values, Perceptions, and Resources*. Stroudsburg, PA: Dowden, Hutchinson and Ross, 1975, pp. 92-101.

Kaplan, Stephen. "The Restorative Benefits of Nature: Towards an Integrative Framework", in *Journal of*

*Environmental Psychology*, 15 (1995), pp. 169-182.

Kaplan, Stephen. "The Restorative Environment: Nature and Human Experience", in Relf, Diane (ed.), *The Role of Horticulture in Human Well-Being and Social Development*, Portland, Oregon: Timber Press, 1992, pp. 134-142.

Korpela, K.M. "Place-identity as a Product of Environmental Self-regulation", in *Journal of Environmental Psychology*, 9 (1989), pp. 241-256.

Korpela, K.M & Terry Hartig. "Restorative Qualities of Favorite Places", in *Journal of Environmental Psychology*, 16 (1996), pp. 221-233

Kusenbach, Margarethe. "Street Phenomenology; The Go-along as Ethnographic Research Tool", in *Ethnography*, 4 (2003), pp. 455-485.

Kyle, Gerard T., et al. "Linking Place Preferences with Place Meaning: An Examination of the Relationship between Place Motivation and Place Attachment", *Journal of Environmental Psychology*, 24 (2004), pp. 439-454.

Lewicka, Maria. "Place Attachment: How far Have We Come in the Last 40 years?", in *Journal of Environmental Psychology*, 24 (2004), pp. 117-130.

Lim, Miyouon & Angela Calabrese Barton. "Exploring in Urban Children's Sense of Place", in *Journal of Environmental Psychology*, 30(3) (2010), pp. 1-24.

Lynch, Kevin. *The Image of the City*, Cambridge: the MIT Press, 1960.

Nasar, Jack L. "New Development in Aesthetics for Urban Design", in G. T. Moore & R.W. Marans (eds.), *Advances in Environment, Behavior and Design*, Vol.4, New York: Plenum Press, 1997, pp. 149-193.

\_\_\_\_\_. "Urban Design Aesthetics, The Evaluative Qualities of Building Exteriors", in *Environmen and Behavior*, 26 (1994), pp. 377-401.

\_\_\_\_\_. *The Evaluative Image of the City*, SAGE, 1998.

Osgood, C.E., et al. *Measure of Meaning*, Urbana, University of Illinois Press, 1957.

Proshansky, Harold M. "The City and Self Identity", in *Environment and Behavior*, 10 (1978), pp. 147-169.

Russell, James A. "A Circumplex Model of Affect", in *Journal*

- of *Personality and Social psychology*, 39(6) (1980), pp. 1161-1178.
- \_\_\_\_\_. "Core Affect and the Psychological Construction of Emotion", in *Psychological Review*, 110(1) (2003), pp. 145-172.
- \_\_\_\_\_. "Emotion, Core Affect, and Psychological Construction", in *COGNITION AND EMOTION*, 23 (7) (2009), pp. 1259-1283.
- Russell, James A. & Maria Lewicka. "A Cross-Cultural Study of a Circumplex Model of Affect", in *Journal of Personality and Social psychology*, 57(5) (1989), pp. 848-856.
- Sepe, Marichela. "Creating Sustainable Urban Landscapes; Mapping with Placemaker", in *International Journal of Sustainable Development and Planning*, 2(2) (2007), pp. 187-204.
- Sepe, Marichela. "PlaceMaker Method: Planning 'Walkability' by Mapping Place Identity", in *Journal of Urban Design*, 14(4) (2009), pp. 463-487.
- Stamps, Arthur E. "Mystery, Complexity, Legibility and Coherence: A Meta- analysis", in *Journal of Environmental Psychology*, 24 (2004), pp. 1-6.
- Stedman, Richard. "Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes toward Their Properties", in *Journal of Environmental Psychology*, 21 (2001), pp. 233-248.
- Stokols, D & S.A. Shumakher. "People in Places: A Transactional View of Settings", in Harvey, J. (ed.), *Cognition, Social Behavior and the Environment*, NJ, Erlbaum, 1981.
- Travlou, Penny, et al. "Place Mapping with Teenagers: Locating Their Territories and Documenting Their Experience of the Public Realm", in *Children's Geographies*, 6(3) (2008), pp. 309-326.
- Tu, Kung-Jen & Li-Ting Lin. "Evaluative Structure of Perceived Residential Environment Quality in High-density and Mixed-use Urban Settings: An Exploratory Study on Taipei City", in *Landscape and Urban Planning*, 87(3) (2008), pp. 157-171.
- Twigger-Ross, Clare, et al. "Identity Theories and Environmental Psychology", in Bonnes, Mirilia, et al (eds), *Psychological Theories for Environmental Issues*, ASHGATE, 2003, pp. 203-233.
- Uzzell, David. "Environmental Psychological Perspective on Landscape", in *Landscape Research*, 16(1) (2007), pp. 3-10.
- Wood, Denis & Robert Beck. "Talking With Maps: Environmental A, An Experimental Mapping Language," in Gary Moore & Reginald Golledge (eds.), *Environmental Knowing*, Stroudsburg, Pennsylvania, Dowden: Hutchinson and Ross, 1976, pp. 351-361.
- Zhang, Heng & Shih-Hsien Lin. "Affective Appraisal of Residents and Visual Elements in the Neighborhood: A Case Study in an Established SubUrban Community", in *Landscape and Urban Planning*, 101(2011), pp. 11-21.
- Zube, Ervin H., et al. "Landscape Perception; Research, Application and Theory", in *Landscape Planning*, 9(1) (1982), pp. 1-33.